

مستند
نقویان سراغ بر جام رفت
 مهدی نقویان مستند جدید خود را با موضوع برج‌ام می‌سازد. او می‌گوید خطری که اکنون مردم را تهدید می‌کند این است که
آمریکا را به آمریکای خوب و بد دسته‌بندی می‌کنند. به گزارش تسنیم، مهدی نقویان درباره مستند جدید خود که با موضوع برج‌ام در دست تولید دارد، گفت: کلاً جنس کارهای من مربوط به تاریخ انقلاب و معاصر است. وقتی این سفارش به من شد می‌تونستم مانند کارهای قبلی عمل کنم و با انجام تحقیق، متنی تهیه شود و بر اساس آن متن، تصاویر آرشیوی جمع‌آوری شده و کار را بسازیم اما می‌خواستم کار جدید و متفاوتی انجام شود و دلیل آن هم حساسیت موضوع است. بزرگ‌ترین شبه‌های که راجع به برج‌ام وجود دارد این است که هر کس این موضوع را گردن کس دیگری می‌اندازد؛ یکی می‌گوید مجلس تصویب کرد، یکی دیگر دولت را مقصر می‌داند و... راه سختی را انتخاب کرده‌ایم. از آغاز فعالیت دولت شروع می‌کنیم و کار را ادامه می‌دهیم. از ابتدا تا انتها تصویر رهبری را نمی‌بینیم اما صوت صحبت‌های ایشان پخش می‌شود. برای اینکه تاریخ تحریف نشود این کار را می‌سازیم.
■ ■ ■
 رونمایی از مستند «راه دل»
مراسم رونمایی از مستند «راه دل» و بدرقه مسافران پیاده‌روی اربعین حسینی با حضور شاعران آیینی، سه‌شنبه ۹ آبان در سالن
سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. به گزارش فارس، این مستند آخرین اثر مهدی زمان‌پور کیاسری، برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر است که روایتی جذاب از سفر اربعین «هشتی اسماعیل» پیرمرد نابینای شمالی است. زمانپور در این مستند علاوه بر به تصویر کشیدن حال و هوای پیاده‌روی نجف تا کربلای اربعین حسینی، از ظرفات‌های روحی و معنوی مشتی اسماعیل و شوخ‌طبعی‌های همیشگی او می‌گوید.
سینما
 اکران «قاتل اهلی» به تعویق افتاد
اکران فیلم سینمایی «قاتل اهلی» ساخته‌مسعود کیمیایی به تعویق افتاد. به گزارش فارس، فیلم سینمایی «قاتل اهلی» که پیش از این قرار بود به سرگروهی آزادی ۱۰ آبان ماه اکران شود به دلیل فروش مناسب فیلم «قهرمانان کوچک» و عدم افت فروش فیلم، به تعویق می‌افتد. «قاتل اهلی» قرارداد خود را در گروه آزادی پس از فیلم «قهرمانان کوچک» بسته بود که فعلا امکان اکران فیلم وجود ندارد. «قاتل اهلی» تبلیغات خود را مدتی است آغاز کرده و با توجه به فروش خوب فیلم «قهرمانان کوچک» هنوز نمی‌توان زمانی را برای اکران فیلم مسعود کیمیایی پیش‌بینی کرد..
شعر
 بار ما هست شوق شش گوشه
کاروان رفت و اهل آبادی اشک بودند و راه افتادند چند فرسخ نگاه بدرقه را در پی کاروان فرستادند شوق رفتن به سرزمین بهشت خسته می‌کرد کوه و صحرا را غافل از اینکه راه‌زن‌ها هم در کمینند کاروان‌ها را دور شو کور شو، صدا بر خاست قلب‌ها را پر از مخاطره کرد کاروان را به طرفه‌العینی دسته درزا محاصره کرد ما نه سوداگریم نه تاجر نیست جز نان و آب ره‌توشه زاد راه است التماس دعا بار ما هست شوق شش گوشه چشم سردهسته ناگاهان تر شد لرزش شانهای نمایان شد بار دیگر نقاب خود را بست اشک او در غرور پنهان شد روی زانوئ خود نشست آرام راه را با اشارای او کرد بعد سی سال سردی و تلخی چایی روضه کار خود را کرد سال شصت و یک غم و اندوه کاروان حسین (ع) برمی‌گشت دست غارت حریص شد، حتی از سر کهنه پیرهن نگذشت آب آزاد شد ولی آتش در دل خیمه‌ها پراکندند قافیه کاشکی ربودن بود زبور از گوش دختران کنندند
 حمیدرضا برقی

مهدی نقویان مستند جدید

خود را با موضوع برج‌ام می‌سازد. او می‌گوید خطری که اکنون تحلیل مردم را تهدید می‌کند این است که

آمریکا را به آمریکای خوب و بد دسته‌بندی می‌کنند. به گزارش تسنیم، مهدی نقویان درباره مستند جدید خود که با موضوع برج‌ام در دست تولید دارد، گفت: کلاً جنس کارهای من مربوط به تاریخ انقلاب و معاصر است. وقتی این سفارش به من شد می‌تونستم مانند کارهای قبلی عمل کنم و با انجام تحقیق، متنی تهیه شود و بر اساس آن متن، تصاویر آرشیوی جمع‌آوری شده و کار را بسازیم اما می‌خواستم کار جدید و متفاوتی انجام شود و دلیل آن هم حساسیت موضوع است. بزرگ‌ترین شبه‌های که راجع به برج‌ام وجود دارد این است که هر کس این موضوع را گردن کس دیگری می‌اندازد؛ یکی می‌گوید مجلس تصویب کرد، یکی دیگر دولت را مقصر می‌داند و... راه سختی را انتخاب کرده‌ایم. از آغاز فعالیت دولت شروع می‌کنیم و کار را ادامه می‌دهیم. از ابتدا تا انتها تصویر رهبری را نمی‌بینیم اما صوت صحبت‌های ایشان پخش می‌شود. برای اینکه تاریخ تحریف نشود این کار را می‌سازیم.

■ ■ ■

رونمایی از مستند «راه دل»

مراسم رونمایی از مستند «راه دل» و بدرقه مسافران پیاده‌روی اربعین حسینی با حضور شاعران آیینی، سه‌شنبه ۹ آبان در سالن سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. به گزارش فارس، این مستند آخرین اثر مهدی زمان‌پور کیاسری، برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر است که روایتی جذاب از سفر اربعین «هشتی اسماعیل» پیرمرد نابینای شمالی است. زمانپور در این مستند علاوه بر به تصویر کشیدن حال و هوای پیاده‌روی نجف تا کربلای اربعین حسینی، از ظرفات‌های روحی و معنوی مشتی اسماعیل و شوخ‌طبعی‌های همیشگی او می‌گوید.

سینما

اکران «قاتل اهلی» به تعویق افتاد

اکران فیلم سینمایی «قاتل اهلی» ساخته‌مسعود کیمیایی به تعویق افتاد. به گزارش فارس، فیلم سینمایی «قاتل اهلی» که پیش از این قرار بود به سرگروهی آزادی ۱۰ آبان ماه اکران شود به دلیل فروش مناسب فیلم «قهرمانان کوچک» و عدم افت فروش فیلم، به تعویق می‌افتد. «قاتل اهلی» قرارداد خود را در گروه آزادی پس از فیلم «قهرمانان کوچک» بسته بود که فعلا امکان اکران فیلم وجود ندارد. «قاتل اهلی» تبلیغات خود را مدتی است آغاز کرده و با توجه به فروش خوب فیلم «قهرمانان کوچک» هنوز نمی‌توان زمانی را برای اکران فیلم مسعود کیمیایی پیش‌بینی کرد..

به سرگروهی آزادی ۱۰ آبان ماه اکران شود به

دلیل فروش مناسب فیلم «قهرمانان کوچک» و عدم افت فروش فیلم، به تعویق می‌افتد. «قاتل اهلی» قرارداد خود را در گروه آزادی پس از فیلم «قهرمانان کوچک» بسته بود که فعلا امکان اکران فیلم وجود ندارد. «قاتل اهلی» تبلیغات خود را مدتی است آغاز کرده و با توجه به فروش خوب فیلم «قهرمانان کوچک» هنوز نمی‌توان زمانی را برای اکران فیلم مسعود کیمیایی پیش‌بینی کرد..

شعر

بار ما هست شوق شش گوشه

کاروان رفت و اهل آبادی اشک بودند و راه افتادند چند فرسخ نگاه بدرقه را در پی کاروان فرستادند شوق رفتن به سرزمین بهشت خسته می‌کرد کوه و صحرا را غافل از اینکه راه‌زن‌ها هم در کمینند کاروان‌ها را دور شو کور شو، صدا بر خاست قلب‌ها را پر از مخاطره کرد کاروان را به طرفه‌العینی دسته درزا محاصره کرد ما نه سوداگریم نه تاجر نیست جز نان و آب ره‌توشه زاد راه است التماس دعا بار ما هست شوق شش گوشه چشم سردهسته ناگاهان تر شد لرزش شانهای نمایان شد بار دیگر نقاب خود را بست اشک او در غرور پنهان شد روی زانوئ خود نشست آرام راه را با اشارای او کرد بعد سی سال سردی و تلخی چایی روضه کار خود را کرد سال شصت و یک غم و اندوه کاروان حسین (ع) برمی‌گشت دست غارت حریص شد، حتی از سر کهنه پیرهن نگذشت آب آزاد شد ولی آتش در دل خیمه‌ها پراکندند قافیه کاشکی ربودن بود زبور از گوش دختران کنندند

حمیدرضا برقی

■اینکه گفتید «بخشی از طلبه‌ها» مساله مهمی است، چون راوی یک نفر و به نمایندگی از جامعه طلبه‌ها و روحانیت محسوب می‌شود و طلبه‌ای دیگر در قیاس با او در داستان حضور ندارد به همین دلیل ممکن است این شائبه در ذهن مخاطب پیش بیاید که همه به همین شکل هستند. آیا شما از این هراس نداشتید که شخصیت اول داستان تبدیل به تپیی از روحانیت شود و به جای پیش‌داوری‌های قبلی، پیش‌داوری جدیدی را که ممکن است چندان درست هم نباشد، در ذهن مخاطب ایجاد کنید؟ کما

اینکه برخی در نقد کتاب‌تان نوشته بودند این یک آخوند «هرهری مذهب» نه چندان دیندار با رفتارهایی متناقض است که می‌توان بسیار نقض این شخصیت را در دنیای واقعی مشاهده کرد.

حقیقتا موقع نوشتن این مساله برای من پیش نیامد. من به دنبال روایت یک طلبه‌ای به نام یونس برکت بودم، اینکه این شخصیت

پسچیده یا ساده شود، تبدیل به تیپ داستانی یا غیرداستانی شود اصلا مساله من نبود. اما درباره دوستانی که آن نقدها را نوشتند من می‌توانم بگویم که برایشان احترام قائلم، به هر حال این نقدها خوانش آنها از این کتاب بوده اما این تحلیل‌ها تقلیل‌گرایانه است به طوری که رمان را به ۱۰ صفحه از کتاب فروکاسته بودند در حالی که کتاب ۳۰۴ صفحه‌است. این تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه به منتقد و خواننده توأمان ضربه می‌زند. این آدم فقط در سیر و سلوک خود دچار شک است و به ورطه مشکلاتی افتاده

است و می‌خواهد آنها را حل کند. او دچار چالش است. دوستانی که به این شکل به اثر نقد کرده بودند به گمانم خیلی با دنیای طلبگی آشنایی ندارند و بختمل از دور به دنیای طلبگی و روحانیت نگریسته‌اند. مثلاً حاج‌اقا انصاریان را آن هم باز از راه دور و روی منبر

■ ■ ■

یک‌سری از مردم گمان می‌کنند همه آخوندها در راه زندگی می‌کنند و به هیچ وجه درگیر مسائل مالی و مشکلات مختلف زندگی که برای هر کسی وجود دارد، نیستند. در حالی که ۱۰ درصد روحانیون هم به این سیاق زندگی نمی‌کنند و ۹۰ درصد در طبقات ضعیف اقتصادی زندگی می‌کنند. من الان در شهرکی زندگی می‌کنم که حدود ۱۰ هزار طلبه در آن ساکن هستند. من با اینها از نزدیک زندگی می‌کنم و اصلا با اینها مشغول زندگی هستم؛ به هیچ وجه این تصور و پیش‌داوری از سطح زندگی روحانیان صحیح نیست. بارها به من و تدریس می‌کند. بر خلاف این رویه، جریان مسیحیت عمدتا به وجه انسانی مبلغان مسیحی و جمالزاده نگاه کنید یک شیخ منفی در آن حضور دارد یا اگر رمان «همسایه‌ها»ی احمد محمود را ملاخطه کنید- این‌چه این رمان- رمان خوبی است- با این حال با یک شخصیت آخوند بسیار منفی و پیش‌داوری‌شده مواجه هستیم که در طول‌یه زندگی و تدریس می‌کند. بر خلاف این رویه، جریان مسیحیت عمدتا به وجه انسانی مبلغان مسیحی و روحانیان این آیین پرداخته و اگر هم ویژگی‌های منفی‌ای برای آنها قائل شده بی‌شک وجوه مثبت آنها را هم بیان می‌کند و شخصیت‌های جذابی از آب درمی‌آورند. در کتاب «قدرت و جلال» که در ایران به عنوان «مسیحای دیگر، یهودای دیگر» شناخته می‌شود، روحانی‌ای وجود دارد که اگر چه دچار خطاهای بسیاری بوده و حتی مشروب‌خواری نیز می‌کند اما واقعا یک انسان مسیحی است و انگار مسیح را در سیمای این آدم می‌بینیم. من در این کتاب تلاش داشتم دنیای بخشی از طلبه‌ها را نشان دهم که در درجه اول یک انسان است و امکان دارد با زن و بچه و پدر و مادرش مشکل داشته باشد که دارد. در کنارش به دنبال تبلیغ دین است که در رساندن این پیام نیز ممکن است بعضا دچار اشکال شود اما در نهایت چون دل در گرو خدا دارد و در اِسن راه تلاش می‌کند بر برخی از این مشکلات فائق می‌آید و آینده‌اش تاریک نیست بلکه روشن است.

فرهنگ و هنر

گفت‌وگوی «وطن امروز» با ابراهیم اکبری‌دیز‌گاه

نویسنده رمان «برکت» برگزیده ۲ جایزه ادبی جلال و شهید غنی‌پور

چالش‌های طلبگی

درباره روحانیت دچار پیش‌داوری شده‌ایم

مسائل دینی نیز می‌پردازد. این امر زمانی برجسته می‌شود که عمده قصه و رمان‌های دینی در بستری خود‌تان. شاید هنوز برخی مخاطبان ما از طلبگی شما آگاهی نداشته باشند. آیا خود‌تان تجربه تبلیغ در چنین فضاهایی را داشته‌اید؟

تجربه من در تبلیغ بسیار تلخ‌تر از داستان یونس برکت است. از بزرگان یاد گرفته بودیم که وقتی به دفتر تبلیغات می‌رفتیم از آنها می‌خواستیم که ما را به جایی بفرستند که معمولا طلبه‌ها نمی‌روند. من نمی‌توانم بگویم داستان برکت دقیقا عین خاطرات شخص خودم است اما بخشی از آن اقتباس از تجربه‌های خودم بوده و قطعا اگر خاطرات خودم را منتشر می‌کردم بدتر و تلخ‌تر از چیزی است که در داستان آمده است.

■ طلبگی شما در عین زیستن در کف جامعه با نگاهی جامعه‌شناختی باعث می‌شود تا از شما پرسش‌مناطب و مسائل یک طلبه در جهان مدرن و جامعه‌ایرانی چیست؟

پاسخ به این سوال نیازمند ساعات‌ها بحث و گفت‌وگو است اما هم‌اکنون و در جامعه ایرانی شاید ۲ مساله مهم‌ترین چیزی است که یک طلبه با آن مواجه است. اول اینکه مردم او را نماینده حکومت دینی و همه اتفاقات روی داده در آن می‌دانند. در این مقوله زمانی که یک نفر سخنران است، به منبر می‌رود صحبت‌هایش را مطرح می‌کند و بعد می‌رود اما زمانی مبلغ برای تبلیغ می‌رود و با مردم و در هر لحظه با آنها زندگی می‌کند. اصل هم تبلیغ است و سخنرانی تنها بخشی از تبلیغ محسوب می‌شود.

■ داستان این کتاب روایت «من» یونس برکت است. داستان اول شخصی که به نظر کند پیش می‌رود و احتمالا مخاطب عام نتواند براحتی آن را به اتمام برساند. به نظر خودتان این سرر نه چندان سریع و روایت اول شخص و درونیات او از مخاطبان اثر نمی‌آید؟

ما مشکل فرهنگی بزرگی داریم که در مدرسه و دانشگاه و رسانه‌مان به افراد یاد نمی‌دهیم چگونه یک اثر را بخوانند. به همین علت مخاطب درخواست اثر اندیشمندانه می‌کند اما در مواجهه با چنین آثاری معده‌اش توانایی هضم آن را ندارد. ذائقه مخاطب امروز فست‌فودی و ساندویچی است و مدام به دنبال مطالب سطحی و بعضا پوچ و تفننی برای سرگرمی خود می‌گردد. آثار و کتاب‌های عامه‌پسند چه در عرصه مذهبی و چه در

عرصه‌های دیگر در جامعه به وفور رشد یافته‌اند و زمانی که برخی مخاطبان با برکت مواجه شدند پیام می‌دادند اینهایی که می‌گویی یعنی چه و به چه دردی می‌خورد؟ من به آنها حق می‌دهم که اصلا نمی‌داند رمان چیست. من اعتقاد دارم رمان برای تخذیر آدم‌ها نیست، برای بیداری آنهاست و باید برای خواندن آن زحمت بکشند. آسبب دیگری هم مطرح است و آن اینکه در چند دهه اخیر نویسندگان متعهد و مذهبی نتوانسته‌اند برای مردم خود رمان خوب بنویسند و بعضا متون ادبی را در زمره رمان حساب می‌کنند. اینکه نویسندگان مذهبی برای مخاطبان خود نتوانسته‌اند رمان بنویسند دلیل نمی‌شود که مردم متوقف شوند و به همین دلیل رو به خاطره‌خوانی و تاریخ شفاهی آورده‌اند و هجرت از خاطره‌خوانی به رمان کار بسیار سختی است. ما ۱۰ سال باید وقت بگذاریم تا این مخاطبان را که کم هم نیستند را به سمت رمان و فهم آن متمایل کنیم.

■ در گفت‌وگویی که ابتدای امسال با شما داشتیم، خبر از چاپ چند رمان دیگر دادید که گویا این اتفاق نیفتاد؛ دلیل آن چه بوده است؟

من هم اکنون چند اثر دیگر دارم که آماده چاپ هستند. امسال می‌خواستم ۲ تا از آنها را منتشر کنم اما دوستی به من گفت دست نگهدار و هر سال فقط یک اثر منتشر کن تا مخاطبان بتوانند به ارزیابی درستی از تو و کتاب‌هایت برسند. با این حال تا یک ماه پیش مشغول نوشتن رمانی در فضای انقلاب اسلامی بودم که به اتمام رسید. این رمان داستان مردی در شب دوازدهم بهمن است که پسر خودش را گم کرده است و در فضای سوررئال روایت می‌شود. در ادبیات انقلاب کمتر مشاهده می‌کنیم که آثار از فضای روایت صرف به اشکال دیگری سوق پیدا کند. من در این رمان فضا و بستر را به هم زده و مثلا ضحاک مارودش و کلاه آهنگر و ابراهیم خلیل را از دل تاریخ به دوران انقلاب آورده‌ام.

اجاره منزل ... است، مثل بسیاری از افراد جامعه.

■ از همین جا می‌خواستم گریزی بزنم به طلبگی خود‌تان. شاید هنوز برخی مخاطبان ما از طلبگی شما آگاهی نداشته باشند. آیا خود‌تان تجربه تبلیغ در چنین فضاهایی را داشته‌اید؟

تجربه من در تبلیغ بسیار تلخ‌تر از داستان یونس برکت است. از بزرگان یاد گرفته بودیم که وقتی به دفتر تبلیغات می‌رفتیم از آنها می‌خواستیم که ما را به جایی بفرستند که معمولا طلبه‌ها نمی‌روند. من نمی‌توانم بگویم داستان برکت دقیقا عین خاطرات شخص خودم است اما بخشی از آن اقتباس از تجربه‌های خودم بوده و قطعا اگر خاطرات خودم را منتشر می‌کردم بدتر و تلخ‌تر از چیزی است که در داستان آمده است.

■ طلبگی شما در عین زیستن در کف جامعه با نگاهی جامعه‌شناختی باعث می‌شود تا از شما پرسش‌مناطب و مسائل یک طلبه در جهان مدرن و جامعه‌ایرانی چیست؟

پاسخ به این سوال نیازمند ساعات‌ها بحث و گفت‌وگو است اما هم‌اکنون و در جامعه ایرانی شاید ۲ مساله مهم‌ترین چیزی است که یک طلبه با آن مواجه است. اول اینکه مردم او را نماینده حکومت دینی و همه اتفاقات روی داده در آن می‌دانند. در این مقوله زمانی که یک نفر سخنران است، به منبر می‌رود صحبت‌هایش را مطرح می‌کند و بعد می‌رود اما زمانی مبلغ برای تبلیغ می‌رود و با مردم و در هر لحظه با آنها زندگی می‌کند. اصل هم تبلیغ است و سخنرانی تنها بخشی از تبلیغ محسوب می‌شود.

■ داستان این کتاب روایت «من» یونس برکت است. داستان اول شخصی که به نظر کند پیش می‌رود و احتمالا مخاطب عام نتواند براحتی آن را به اتمام برساند. به نظر خودتان این سرر نه چندان سریع و روایت اول شخص و درونیات او از مخاطبان اثر نمی‌آید؟

ما مشکل فرهنگی بزرگی داریم که در مدرسه و دانشگاه و رسانه‌مان به افراد یاد نمی‌دهیم چگونه یک اثر را بخوانند. به همین علت مخاطب درخواست اثر اندیشمندانه می‌کند اما در مواجهه با چنین آثاری معده‌اش توانایی هضم آن را ندارد. ذائقه مخاطب امروز فست‌فودی و ساندویچی است و مدام به دنبال مطالب سطحی و بعضا پوچ و تفننی برای سرگرمی خود می‌گردد. آثار و کتاب‌های عامه‌پسند چه در عرصه مذهبی و چه در عرصه‌های دیگر در جامعه به وفور رشد یافته‌اند و زمانی که برخی مخاطبان با برکت مواجه شدند پیام می‌دادند اینهایی که می‌گویی یعنی چه و به چه دردی می‌خورد؟ من به آنها حق می‌دهم که اصلا نمی‌داند رمان چیست. من اعتقاد دارم رمان برای تخذیر آدم‌ها نیست، برای بیداری آنهاست و باید برای خواندن آن زحمت بکشند. آسبب دیگری هم مطرح است و آن اینکه در چند دهه اخیر نویسندگان متعهد و مذهبی نتوانسته‌اند برای مردم خود رمان خوب بنویسند و بعضا متون ادبی را در زمره رمان حساب می‌کنند. اینکه نویسندگان مذهبی برای مخاطبان خود نتوانسته‌اند رمان بنویسند دلیل نمی‌شود که مردم متوقف شوند و به همین دلیل رو به خاطره‌خوانی و تاریخ شفاهی آورده‌اند و هجرت از خاطره‌خوانی به رمان کار بسیار سختی است. ما ۱۰ سال باید وقت بگذاریم تا این مخاطبان را که کم هم نیستند را به سمت رمان و فهم آن متمایل کنیم.

■ در گفت‌وگویی که ابتدای امسال با شما داشتیم، خبر از چاپ چند رمان دیگر دادید که گویا این اتفاق نیفتاد؛ دلیل آن چه بوده است؟

من هم اکنون چند اثر دیگر دارم که آماده چاپ هستند. امسال می‌خواستم ۲ تا از آنها را منتشر کنم اما دوستی به من گفت دست نگهدار و هر سال فقط یک اثر منتشر کن تا مخاطبان بتوانند به ارزیابی درستی از تو و کتاب‌هایت برسند. با این حال تا یک ماه پیش مشغول نوشتن رمانی در فضای انقلاب اسلامی بودم که به اتمام رسید. این رمان داستان مردی در شب دوازدهم بهمن است که پسر خودش را گم کرده است و در فضای سوررئال روایت می‌شود. در ادبیات انقلاب کمتر مشاهده می‌کنیم که آثار از فضای روایت صرف به اشکال دیگری سوق پیدا کند. من در این رمان فضا و بستر را به هم زده و مثلا ضحاک مارودش و کلاه آهنگر و ابراهیم خلیل را از

دل تاریخ به دوران انقلاب آورده‌ام.

تئاتر
 ادامه در دسر سازی سلبریتی‌ها برای تئاتر!
 در حالی که در چند وقت اخیر حضور بازیگران سرشناس سینما در تئاتر و موج تجاری‌سازی این هنر باعث اعتراض گسترده بسیاری از پیشکسوتان این عرصه شده بوده این ماجرا هر روز شدت بیشتری پیدا می‌کند. به گزارش «وطن‌امروز»، چندی پیش که خبر حضور مهناز افشار در نمایش «ولبور نویسٔ» رسانه‌ای شده بود، برخی رسانه‌ها از چالش حضور چهره‌های سرشناس در صحنه تئاتر و به انزوا رفتن فعالان این عرصه سخن گفته بودند. حالا اما خبر رسیده الناز شاکردوست یکی دیگر از بازیگران مشهور سینمای ایران تصمیم گرفته با نمایش «گم‌گور» روی صحنه برود. شاکردوست که این روزها فیلم سینمایی «خفگی» را بر پرده سینماها دارد، در حالی تصمیم گرفته‌در این نمایش ایفای نقش کند که «گم‌گور» را باید نخستین تجربه او در عرصه تئاتر دانست؛ تجربه‌ای که این روزها بسیاری از بازیگرانی سرشناس سینما به دنبال به دست آوردن آن هستند. چندی پیش قطب‌الدین صادقی که از سرشناس‌ترین فعالان عرصه نمایش در کشور است، در سخنانی در واکنش به حضور سلبریتی‌ها در این عرصه گفت: درباره حضور سلبریتی‌ها باید گفت این امر موجب می‌شود کم‌کم تئاتر به معنای واقعی مفهوم خود را از دست بدهد و تنها برای درآمدزایی به کار برود. به‌عنوان مثال چندی پیش در تئاتری شرکت کردم که فاقد معنا و محتوا بود، حتی از کسانی که در اطرافم بودند درباره تئاتر پرسش‌هایی کردم، آنها هم متوجه موضوع نمایش نشده بودند و تنها برای تماشای سلبریتی‌های خود و برای دیدن نمایش آمده بودند. این اتفاق در صورتی افتاد که سالن حتی یک صندلی خالی هم نداشت.
ادبیات
 گلعلی بابایی
 از «رؤیای آمریکایی» می‌نویسد
 گلعلی بابایی از انتشار اثر جدیدش با عنوان «رؤیای آمریکایی» با نگاهی به نقش آمریکا در آغاز جنگ تحمیلی خبر داد. به گزارش تسنیم، گلعلی بابایی، نویسنده و پژوهشگر از نگارش اثر جدیدش خبر داد و با اشاره به جزئیات بیشتر گفت: «رؤیای آمریکایی» عنوان اثری است که در دست نگارش دارم. این اثر به نقش آمریکا در تحمیل جنگ، ادامه یافتن آن و همچنین بعد از آن می‌پردازد. این اثر با مشاوره حسین بهزاد نوشته شده است و بزودی به چاپ می‌رسد.
خبر
 رونمایی از تندیس شهید حبجی در حوزه هنری
 علی‌اصغر یوزباشی، هنرمند مجسمه‌ساز از پایان ساخت و رونمایی تندیس شهید محسن حبجی طی این هفته در حوزه هنری خبر داد. به گزارش فارس، علی‌اصغر یوزباشی، مجسمه‌ساز پیشکسوت که سال‌ها در این عرصه فعالیت دارد، با اعلام خبر ساخت تندیس شهید حبجی گفت: برای ساخت این تندیس از عکس‌های منتشرشده این شهید در فضای مجازی بهره بردم و از عکسی که چقیه‌ای دور گردن و لیخندی بر لبان شهید است استفاده کردم. این تندیس در اندازه‌های طبیعی ساخته شده و روز دوشنبه ۸ آبان‌ماه در مرکز تجسمی حوزه هنری از آن رونمایی خواهد شد. وی با اشاره به آنکه بسیاری از آثاری که تاکنون ساخته‌است از دل برآمده و ساخت آن بنا بر سفارش نبوده است، اذعان داشت: ساخت تندیس شهید حبجی نیز از دل برآمده و بر اساس اعتقادات و تفکری که داشتم درصدد ساخت آن برآمدم.
 نقد و بررسی «زرد» در ارسباران
 فیلم سینمایی «زرد» به کارگردانی مصطفی تقی‌زاده امروز ساعت ۱۸ در فرهنگسرای ارسباران با حضور عوامل اکران، نقد و بررسی می‌شود. به گزارش روابط عمومی باشگاه فیلم تهران، این فیلم در جشنواره بین‌المللی شانگهای که جزو جشنواره‌های «لف» دنیا محسوب می‌شود، جایزه ویژه هیأت داوران را برای بهترین کارگردانی و جایزه بهترین نقش اول زن را دریافت کرد. همچنین در جشنواره بین‌المللی فیلم «هنر روسیه» نیز ۲ جایزه بهترین فیلمنامه و بهترین فیلم را دریافت کرده است. مصطفی تقی‌زاده (نویسنده و کارگردان)، کامران مجیدی (تهیه‌کننده)، پوپرا ذوالفقاری (منتقد) و جمعی از عوامل فیلم میهمانان چهارصدویچاندومین نشست باشگاه فیلم تهران هستند.